

ضرورت دست یافتن بر بایسته‌های تحقیق

محمد حسین صادق‌پور

مجله مشکوة

اشاره

در شماره ۸۴ و ۸۵ مجله مشکوة - پاییز و زمستان ۱۳۸۳ - مقاله‌ای از راقم این سطور با نام «مروری بر کتاب‌شناسیها و منابع مهم قرآنی» چاپ شده است. علت اصلی گردآوری آن، گرایش قرآنی مشکوة و درخواست نویسندگان مجله برای داشتن فهرستی از مهم‌ترین منابع قرآنی و اشراف بر بایسته‌های تحقیق، برای نوشتن مقاله در حوزه قرآن‌پژوهی بود که در همان جا ذکر شده است. در مقاله مذکور حدود ۱۸۰ اثر اعم از کتاب‌شناسی و منابع مهم قرآنی، ویژه‌نامه و نشریات قرآن‌پژوهی معرفی شده است.

در عین حال، نویسندگان علاقه‌مند به قرآن از

راه دور و نزدیک با مجله مشکوة تماس می‌گیرند و همچنان به دنبال مباحث نوین قرآنی و موضوعات خاص در خور پژوهش هستند، که حاکی از عشق آنان به ساحت قرآن و خلأ تعیین دقیق بایسته‌های پژوهش در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی از جمله همین حوزه قرآن‌پژوهی می‌باشد. این درخواستهای مکرر برآدم داشت تا به رغم عدم صلاحیت، چند سطری در اهمیت جایگاه خطیر «بایسته‌های تحقیق و پژوهش» در حوزه‌های مختلف تحقیق بنگارم تا حداقل این معضل فراگیر پژوهش را طرح نموده و دغدغه فکری و آرزوی قلبی خود را بیان کرده باشم. هر چند می‌دانم که این تنها مشکل جامعه پژوهش نیست و نیز می‌دانم رفع آن یک همت ملی و همکاری جمعی مراکز مختلف دست‌اندرکار پژوهش را می‌طلبد که زمان‌بر و مبتنی بر نهادینه شدن فرهنگ پژوهش‌گرویی در ایران است.

بدون تردید در عصر حاضر تأکید بر مسئله‌یابی، موضوع‌شناسی و اشراف بر ضرورت‌های بر جا مانده پژوهش بسیار با اهمیت است که سزاوار نیست لحظه‌ای از آن غفلت شود. به ویژه در دورانی که به سبب گستردگی علوم، انبوهی آثار و کثرت انتشارات به عصر انفجار اطلاعات نامبردار گشته است، به حدی که اگر اندکی سهل‌انگاری شود، در میان سیل عظیم آثار - اعم از کتاب، پایان‌نامه، مقاله و نرم‌افزارهای گوناگون - سرگردان و برای شناخت بایسته‌های

پژوهش دچار مشکل جدی خواهیم شد. خوشبختانه با فناوری اطلاعات، پردازش و تنظیم آثار، می‌توان پدیده انفجار اطلاعات را مهار، و سپس با یک مدیریت و برنامه‌ریزی دقیق برای شناخت بایسته‌های تحقیق و پژوهش از آن استفاده بهینه کرد.

در حال حاضر دست یافتن بر موضوعی بکر و دست‌نخورده و برداشتن پروژه‌های کاربردی بر زمین‌مانده در میدان تحقیق، از میان حجم انبوه و متفرق آثار انجام شده به ویژه در حوزه گسترده علوم انسانی، دشوار و دست نیافتنی می‌نماید. چه بسا پژوهشگران زیادی که برای یافتن موضوعی شایسته تحقیق به علت عدم دسترسی و اشراف بر منابع اطلاع‌رسانی و کتاب‌شناسی‌ها، یا عدم توانایی در تنظیم و پردازش اطلاعات فراهم آمده، روزها و ماهها وقتشان تلف شده باشد. جانکاه‌تر از آن، زمانی که یک محقق پس از ماهها جست‌وجو، به زعم اینکه بر موضوعی بایسته پژوهش دست یافته با زحمت و صرف هزینه آن را به سامان رساند؛ آن‌گاه در پایان دریابد که از همان آغاز بی‌راهه رفته و موضوعی تکراری یا کم‌ارزش برگزیده است! وقوع چنین حوادثی که متأسفانه کم نیست برای محققان و نویسندگانی که به لحاظ مادی به جایی وابسته نیستند جبران‌ناپذیر است.

به علاوه به هنگام مواجه شدن با این رخدادهای ناگوار - که خدا برای هیچ فرد یا گروه

تحقیقی پیش نیاورد - به چه مؤسسه‌ای باید رجوع کرد و راهنمایی خواست؟ بر فرض اگر آن محقق مال‌باخته بخواهد در موضوع دیگری تحقیق کند، چه تضمینی است که دوباره به همان سرنوشت دچار نشود؟ در چنین فضایی آیا محقق می‌تواند با آرامش و دلگرمی کارش را دنبال کند؟ آیا سازمان مطلع و معتبری هست که بایسته‌های تحقیق و پژوهش را با اطمینان در اختیار محققان و مراکز پژوهشی قرار دهد.

طرحهای کوچک و نافرجام پژوهشی بماند، چه پروژه‌های عظیم ملی که نسنجیده در این ورطه ندانم‌کاری افتاده، پیش رفته و بی‌ثمر پایان یافته است! و چه طرحهای کلان تحقیقاتی که در نیمه راه است و هنوز مانده تا سرانجام آن معلوم شود! و چه پروژه‌هایی که مجریان در نیمه راه به عقیم بودن آن متفطن شده، خوشبختانه یا متأسفانه ناقص‌الخلقه و نیمه‌کاره رها شده‌است. در عصر ارتباطات، باید تجربیات را مجانی به دست آورد. فرصتی برای تکرار اشتباهات دیگران و آزمون و خطا نیست. چرا باید چند مرکز پژوهشی بدون اطلاع از یکدیگر روی یک پروژه هم‌زمان و به صورت موازی تحقیق کند. چرا باید مراکز پژوهشی یک شهر و اسفبارتر از آن گروههای یک مرکز تحقیقی نیز از فعالیتها و طرحهای پژوهشی یکدیگر چنان که باید با خبر نباشند. از این‌رو طبیعی است سهم ایران در تولید دانش بسیار ناچیز باشد! مبالغه نیست اگر

گفته شود منشأ اکثر اینها ضعف اطلاع‌رسانی، نبود فرهنگ پژوهش‌گروهي و عدم اشراف بر بایسته‌های تحقیق است.

این مسئله، دغدغه مراکز پژوهشی، جوامع دانشگاهی، شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و تمام کسانی است که دستی در کار تحقیق و پژوهش دارند. شگفتا به رغم اذعان همگانی بر جایگاه خطیر «اشراف بر بایسته‌های تحقیق» و نقص آن در جامعه پژوهش، تاکنون راهکاری اساسی برای رفع این معضل فراگیر پژوهش ارائه نشده و هیچ سازمانی بار سنگین مسئولیت آن را برعهده نگرفته است. شاید به راقم این سطور اعتراض شود که جانب انصاف را رعایت نکرده در حالی که برای رفع این تنگنا تمهیداتی اندیشیده شده است. «عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگو».

درست است، تاکنون کتاب‌شناسیها، مقاله‌نامه‌ها، نرم‌افزارهای کامپیوتری، سایت‌های خبری و پایگاهها و مراکز اطلاع‌رسانی فراوانی به‌وجود آمده است که آخرین اطلاعات و دستاوردهای علمی - فرهنگی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد. همچنین مراکز و مؤسساتی مانند: شورای پژوهش‌های علمی کشور، مؤسسه عالی پژوهش در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بهبود وضع پژوهش و ارائه راهبردها و تعیین سیاست‌های کلان پژوهشی فعالیت می‌کند.

به‌علاوه نشریاتی از قبیل: رهیافت، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، نمایه پژوهش، آینه پژوهش و تمامی مجلات کتابداری و اطلاع‌رسانی، در ساماندهی و تعیین اولویت‌های تحقیق تأثیر انکارناپذیر دارد.

همه اینها درست است و زحماتشان در خور تقدیر، ولی به دلایلی که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود، کافی نبوده و مشکل اصلی به قوت خود باقی است.

نخست آن‌که مشکل عمده این مؤسسات، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و منابع تحقیق این است که تحت اشراف یک ستاد و مدیریت واحد متمرکز نشده است و هر یک متفرق و مستقل فعالیت می‌کند. از این‌رو چه بسا خود این مراکز که وظیفه اصلی آنها اطلاع‌رسانی است، از فعالیتها و حوزه کاری یکدیگر اطلاع نداشته باشند. در نتیجه هم‌پوشانی داشته و در بخشی از موضوعات کارهای موازی انجام دهند! از طرفی به همان دلیل پراکندگی و تشتت، دستیابی و اشراف بر آنها حتی برای عده زیادی از محققان مشکل شده است. بر فرض اشراف، فرصت استقصای کامل یک موضوع از میان همه آن منابع در توان همه کس نیست. به ویژه در حوزه علوم و معارف اسلامی که - به دلیل ارتباط گرایشهای آن به یکدیگر - برای یافتن یک موضوع بکر، باید تمام گرایشهای نزدیک به هم را بررسی کرد.

دوم آن که محققان کشور ما به اعتباری دو گروه هستند، گروه اول نسل قدیم و سنتی که بیشتر از منابع مکتوب و نوشتاری استفاده می‌کنند و با اینترنت و نرم‌افزارهای کامپیوتری سر و کاری ندارند. گروه دوم پژوهشگران نسل جدید هستند که برعکس با رایانه و پایگاههای اطلاع‌رسانی الکترونیکی بیشتر دمساز شده‌اند و حوصله متون قدیم را ندارند. از این رو پایگاه جامع اطلاع‌رسانی لازم است که کاستیهای هر دو گروه را جبران نماید.

سوم آن که بنا به دلایلی ممکن است عدالت در اطلاع‌رسانی رعایت نشود، در مثل مراکز پژوهشی از محققان منفرد سریع‌تر به اطلاعات دست یابند، یا همه اطلاعات لازم در اختیار کاربران قرار نگیرد. بر فرض دستیابی عادلانه بر تمامی پایگاهها و منابع و بر فرض اشراف بر کلیه اطلاعات و آثار، چگونگی پردازش و نظام‌مند کردن اطلاعات برای یافتن بایسته‌های پژوهش که مدیریت و دانش اطلاعاتی بالایی می‌طلبد برای همه کس مقدور نیست.

در پایان برای ملموس‌تر شدن این نیاز مبرم پژوهش و نزدیک‌تر شدن به واقعیتها، از میان دهها مورد تنها یک مثال آن هم در حوزه پژوهشهای قرآنی یادآور می‌شویم. فرض کنید فردی می‌خواهد در حوزه قرآن که آثار متنوع زیادی درباره آن نوشته شده است، به موضوعی بایسته پژوهش دست یافته و درباره آن تحقیق

کند؛ بدیهی است در اولین گام باید به سراغ کتاب‌شناسیها، دایرةالمعارفها پایان‌نامه‌ها، نشریات قرآن‌پژوهی و منابع مهم قرآنی که کارنامه‌ای پر برگ و بار دارد برود. بدون تردید اشراف بر تمام اینها و دست یافتن بر تک تک آثار زمان‌بر و ملال‌آور خواهد بود.

علاوه بر این، تنها در ایران مراکز و گروههای پژوهشی زیادی کمر به خدمت قرآن بسته‌اند که آن فرد دست کم باید آشنایی اجمالی با آنها پیدا کند؛ مانند: مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، گروه قرآن بنیاد پژوهشهای اسلامی، گروه تفسیر و علوم قرآنی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، گروه قرآن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، گروه قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام)، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای مختلف، دانشکده علوم قرآن قم، بخش قرآن مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و دیگر مراکز قرآنی که هر یک به فراخور حال خود فعالیتهای متنوع قرآنی دارند، که اشراف بر همه آنها دشوار و وقت‌گیر می‌باشد.

همچنین سایتها و پایگاههای قرآنی متنوعی در شبکه جهانی اینترنت در فعالیتهای قرآنی و اطلاع‌رسانی دست دارند که هرگز نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. همچون پایگاه قرآن مرکز جهانی آل‌البیت (فارسی و ۲۳ زبان دیگر)

www.quran-al-shia.com ، دایرةالمعارف قرآن در پایگاه حوزه www.al-islam.com ، شبکه تفسیر و درسهای قرآنی www.tafsir.org و دهها شبکه دیگر که روزانه صدها نوع اطلاع قرآنی در اختیار کاربران خود قرار می دهند. گذشته از تمام اینها، نرم افزارهای قرآنی متنوع حاوی هزاران کتاب، مقاله، طرح پژوهشی، پایان نامه و اطلاعات گوناگون قرآنی جایگاهی خاص در عرصه پژوهش دارند، که نمی توان از آنها چشم پوشید. از قبیل: بانک جامع اطلاعات قرآنی، جامع التفاسیر، نورالانوار، نرم افزار صراط و دیگر نرم افزارها و بانکهای اطلاعاتی.

بدون تردید یک نویسنده برای یافتن موضوعی در خود پژوهش، نمی تواند به تنهایی تمامی این آثار، مراکز قرآن پژوهی و بانکهای اطلاعاتی را بررسی نماید. بر فرض توان، در چگونگی پردازش اطلاعات و الویت بندی موضوعات ناکام خواهد ماند. کوتاه سخن آن که این مسئولیت خطیر و فنی از عهده یک فرد یا گروهی خاص بر نمی آید،

بلکه عزمی ملی لازم است. باید تمام بانکها و پایگاههای اطلاع رسانی، مراکز پژوهش حوزوی و دانشگاهی دست در دست هم داده با حمایت دولت ستاد و سازمانی جامع و مرکزی برای گردآوری تمامی اطلاعات، پردازش آن و تعیین سیاستهای کلان و اولویتهای پژوهش تأسیس نمایند، تا از طرفی آخرین دستاوردهای علمی - فرهنگی را گرفته پردازش نماید و پس از ریزینها و مشورتهای لازم با متخصصان هر رشته و تعیین اولویتهای، بایسته های تحقیق و پژوهش هر حوزه را در اختیار کاربران و مراکز پژوهشی آن گرایش خاص قرار دهد.

بدیهی است انتظار سرعت عمل در تحقق این آرزو با توجه به نارسایی های عمده پژوهش در ایران، از جمله نهادینه نشدن فرهنگ تحقیق گروهی، خام اندیشی است که به زودی عملی نمی شود، ولی فرض این است که اگر بشود چه می شود! آنچه مسلم است، دیگر هزینه ها تلف نخواهد شد و فرصتها از دست نخواهد رفت. پژوهشهای موازی کاهش و تحقیقات کاربردی افزایش خواهد یافت؛ ان شاء الله. ①